

تستی

۱. کدام گزینه از موارد جریان حکم صدّ و احصار نیست؟

ج ۵۸۲/۱-۵۸۰

أ. المنع عن الموقنین ☐ب. منع المعتمر عن مكة ☐ج. المنع عن مكة خاصة بعد التحلل بمنى ☒د. منع المعتمر عن افعال مكة بعد دخولها ☐

۲. تثبت ولاية القاضي المنسوب من الامام ...

أ

۷۵/۲

أ. بالشیاع او بشهادة عدلين ☒ب. بالشیاع او بشهادة عدل واحد ☐ج. بالشیاع او بشهادة عدلين او بالخط مع امن التزوير ☐د. بشهادة عدلين او بالخط مع امن التزوير ☐

۳. در کدام مورد كفارة ثابتة «شاة» است؟

أ ۵۷۴-۱/۵۵۶

أ. لبس المخيط وما فى حكمه ☒ب. كسر بيض النعام ☐ج. بقرة الوحش وحمارة ☐د. كسر قرنى الغزال ☐

۴. تسوية بين دو نفر دعوا، از جانب قاضی چه حکمی دارد؟

ج

۷۸/۲-۷۹

أ. تسوية در كلام و سلام و نظر و ميل قلبی واجب است ☐ب. فقط تسوية در كلام واجب است ☐ج. تسوية در كلام و سلام و نظر واجب و در ميل قلبی غير واجب است ☒د. تسوية در هيچ کدام واجب نیست بلکه مستحب است ☐

تشریحی

* يجب قتال الحربی و هو غير الكتابی فالكتابی لا يطلق عليه اسم الحربی و ان كان بحكمه على بعض الوجوه و كذا فرق المسلمین و ان حكم بكفرهم كالخوارج أَلّا ان يبغوا على الامام فيقاتلون من حيث البغی.

۱۵/۲

۱. أ. تفاوت بین کافر حربی و کتابی را نوشته، مراد از «بعض الوجوه» را بیان کنید. ب. عبارت «و كذا فرق المسلمین ...» را توضیح دهید.

أ. کافر حربی هر کافری است که دارای کتاب آسمانی خاصی نباشد بخلاف کافر کتابی. «بعض الوجوه» یعنی در صورتی که کافر کتابی هم به شرائط ذمه عمل نکند، از جهت حکم مانند کافر حربی می شود. ب. یعنی همچنین آن دسته از فرقه های مسلمانان که حکم به کفرشان هم می شود مثل خوارج، این قتالشان واجب نیست و کافر حربی بر آنان اطلاق نمی شود مگر این که خوارج، بغی بر امام کنند که از جهت باغی بودن باید با آنها جنگید نه از جهت کافر بودن.

* و يترك القتال وجوباً لأمر أحدها الأمان. ۲/۲۱

۲. أ. شرایط جواز امان را بنویسید. ب. بقیه موارد وجوب ترک قتال را بنویسید.

أ. ۱. أن يكون قبل الأسر إذا وقع من الأحاد اما من الإمام فيجوز بعده. ۲. عدم المفسدة.

ب. النزول على حكم الإمام أو من يختاره - الإسلام - بذل الجزية - المهادنة.

* و اذن الزوج فى النذر كاذن السيد فى اعتبار توقفه عليها سابقاً او لحوقها له قبل الحل او ارتفاع الزوجية قبله. ۶۰/۲

۳. از چه جهت اذن شوهر برای نذر مانند اذن مولی برای عبد است؟ توضیح دهید.

از این جهت که تنها در صورتی نذر زن صحیح است که نذر زن با اذن و اجازه قبلی شوهر باشد یا اذن شوهر بعد از نذر و قبل از آن که شوهر نذر را باطل سازد ملحق به نذر زن شود و یا قبل از باطل کردن نذر زن توسط شوهر، زوجیت بین آنها برطرف شده و از بین برود.

* ومع العجز عن العتق في المرتبة يصوم شهرين متتابعين هلالين وإن نقصا إن ابتدأ من أوله ولو ابتدأ من أثنائه أكمل ما بقي منه ثلاثين بعد الثاني وأجزأه الهلال في الثاني ولو اقتصر هنا على شهر ويوم تعين العددي فيهما. ٢/٥٣

٤. ضمن توضيح كامل عبارت، مراد از «تتابع» را بیان کنید.

در كفاره مرتبه اگر از عتق عاجز باشد، باید دو ماه هلالی پشت سر هم روزه بگیرد و لو ماه ٣٠ روز تمام نباشد البته اگر از اول ماه روزه گرفته باشد. و اگر از اثناء ماه شروع کرد باید بعد از ماه دوم باقیمانده ماه اول را تا ٣٠ روز تکمیل نماید و ماه دوم همان هلالی کفایت می کند و اگر از اثناء ماه شروع کرد و بعد از یک ماه یک روز دیگر روزه گرفت هر دو ماه را باید عددی محاسبه کند نه هلالی.

مراد از تتابع: یعنی روزه دو ماه، به یکدیگر متصل شود ولو از ماه دوم فقط روزه روز اول آن گرفته شود پس اگر یک ماه و یک روز یا سی روز و یک روز پشت سر هم روزه بگیرد تتابع حاصل شده است.

* إذا أسلم الزوجان قبل الدخول فقال الزوج أسلمنا معاً فالنكاح باقٍ وقالت الزوجة أسلمنا مرتباً فلا نكاح. ٨٢/٢

٥. با توجه به وجوه سه گانه تشخیص مدعی و منکر، توضیح دهید در مورد ادعای فوق، مدعی و منکر چه کسی است؟ چرا؟

الزوجة على الاولين (دو تعریف اول مدعی و منکر) مدعية لانها لو تذكّت الخصومة لتُرکت و استمر النكاح المعلوم وقوعه و الزوج لا يترك لو سكت لزعمها انفساخ النكاح و الاصل عدم التعاقب لاستدعائه تقدم احد الحادّين على الآخر و الاصل عدمه و على الظاهر الزوج مدع لبعد التساوق.

* القسمة وهي تمييز أحد النصيبين عن الآخر وليست بيعاً وإن كان فيها ردّ... ٢/١٠٥

٦. چرا قسمت، بيع نیست؟

لأنّها لا تفترق إلى صيغة ويدخلها الاجبار ويلزمها ويتقيّد أحد النصيبين بقدر الآخر والبيع ليس فيه شيء من ذلك.

٧. در باب شهادت، در چه صورتی شهادت شخص غیر بالغ پذیرفته می شود؟ ١١١/٢

در صورتی که: ١. شهادت بر جراح و زخم باشد و به حد کشتن نرسیده باشد ٢. شاهدهای غیر بالغ به ده سال رسیده باشند ٣. اجتماعشان بر مباح بوده نه بر بازی حرام ٤. بعد از فعل مشهود به تا زمان شهادت، متفرق نشده باشند.

٨. هر کدام از حقوق زیر چگونه ثابت می شوند؟ ١٢٥/٢-١٢٣

أ. القذف: با دو شاهد مرد

ب. العفو عن القصاص: با دو شاهد مرد

ج. الجنایة الموجبة للدية: با دو شاهد مرد - یا یک شاهد مرد و یمین - یا یک شاهد مرد و دو زن

د. الولادة: رجال و نساء و لو منفردات

* لو ثبت تزوير الشهود بقاطع لا باقرارهما ولا بشهادة غيرهما نقض الحكم. ١٣٤/٢

٩. مراد از «تزوير شهود» چیست؟ برای «قاطع» مثالی بنزید. ب. چرا مرحوم شهید ثانی اقرار خود شاهدا و شهادت غیر شاهدا را جزء این مورد نمی شمرد؟

أ. تزوير شهود یعنی معلوم شود که شاهدا به دروغ شهادت داده اند. قاطع مثل: علم خود حاکم. ب. چون اقرار خودشان، رجوع از شهادت حساب می شود و شهادت دیگری هم از باب تعارض شهادات حساب می شود.